

## گزارش «ایران» درباره عادی انگاری برخی شهروندان در مراکز عمومی بعد از تزریق واکسن

# «سوپرمن»ها!



۲۱ بهمن ماه بود که با ورود واکسن روسی؛ روند واکسیناسیون در ایران آغاز شد. از آن روز بیش از سه ماه می‌گذرد و حالا ۷۰ ساله‌ها در مرحله تزریق واکسن قرار گرفته‌اند و تا پایان خرداد هم افراد بالای ۶۰ سال واکسینه می‌شوند. از اوایل مرداد هم باید منتظر شروع واکسیناسیون در مشاغل پرخطر مثل رانندگان تاکسی و معلم‌ها باشیم. باوجود این هنوز تعداد زیادی از ما واکسن نزده‌ایم؛ حتی اگر در این آمارها هم نام‌مان ثبت شده بود باز هم باید ماسک می‌زدیم. اما تصویر خیابان‌ها و مراکز عمومی نشان می‌دهد که ما در این چند ماه رفتار اجتماعی متضادی از خود نشان داده‌ایم.

### جای شلوغ نروید

میدان تره بار قزل قلعه: «مرد با صدای بلند مشتری‌ها را ترغیب می‌کند تا از موزهایی که باقی‌مانده بردارند. چند مشتری با عجله چنان از هم سبقت می‌گیرند که ماسک یک نفر می‌افتد روی دست آن یکی و آن هم بر می‌دارد و می‌دهد به او و مشتری دوباره می‌گذارد روی صورتش! مردی که کمی با فاصله در حال تماشای این صحنه است می‌گوید که اگر کرونا بگیرند موز ۲۶ هزار تومنی برایشان چند میلیون تومان آب می‌خورد! مرد می‌گوید در داروخانه کار می‌کند و همان اوایل واکسن هندی زده اما باز هم جرأت نمی‌کند بدون ماسک رفت و آمد کند! مردم اما بی‌خیال کرونا در شلوغی و ازدحام غرفه‌ها مشغول خرید هستند. چند نفر پیرمرد و پیرزن هم روی صندلی نشسته‌اند و ظاهراً سپرده‌اند تا غرفه دارها برایشان اجناس را کنار بگذارند. از آنها می‌پرسم آیا واکسن زده‌اید؟ جواب دو نفرشان که حدوداً ۷۵-۸۰ ساله‌اند مثبت است. زن می‌گوید کسی را ندارم که برایم خرید کند. خرید کامپیوتری هم که گذاشته‌اند برای ما که سوادش را نداریم بی‌معنی است. اما واکسن که زده‌ایم با اینکه تا دو روز سردرد داشتم و نمی‌توانستم راه بروم؛ حالا خیالم راحت شده. پیرمرد کنار او می‌گوید فرزندش که پزشک است به او تأکید کرده باز هم ماسک بزند و جای شلوغ نرود.»

### واکسن برای از ما بهتران است

نانوایی سنگگی: ساعت حدوداً ۸ و نیم صبح روز یکشنبه است. برخلاف روزهای اولی که نانوایان ماسک زده و حتی برخی هایشان دستکش هم

دست می‌کردند؛ حالا آقای شاطر بدون ماسک کنار تنور در حال سروکله زدن با مشتری است. مشتری تمام هم و غمش شده قسمت سیاه کنار نانی که به گفته او هر روز کوچک‌تر می‌شود و شاطر هم همه تلاشش را می‌کند تا تقصیرها را گردن بالایی‌ها بیندازد! مرد نانوای همین‌طور که با یک دستش پول‌های کاغذی را که روی میز فلزی پهن شده، می‌شمارد؛ با دست دیگرش نان داغ را از داخل تنور برمی‌دارد و روی میز پرت می‌کند و با صدای بلند مشتری بعدی را صدا می‌زند... پیرمردی که حدوداً ۷۰ ساله به‌نظر می‌رسد با حالت حق به‌جانبی که معلوم می‌کند خیالش از کرونا راحت شده؛ جلو می‌آید و می‌گوید: «من که هیچ اما به آن جوان‌هایی رحم کن که حالا حالا ممکن است نوبت‌شان به واکسن نرسد؛ مگر پول خرد ممنوع نیست.» مرد جوانی که پشت سر او ایستاده همین که صدای اعتراض او را می‌شنود، می‌گوید: «ماسک هم که نزده‌اید؛ نان‌ها را هم که روی همین پول‌ها می‌اندازید؛ حداقل با این قیمت‌هایی که بالا برده‌اید به مردم رحم کنید.» شاطر می‌گوید: «شما بیا در این گرمای هوا کنار تنور با ماسک بایست ببینم چند دقیقه دوام می‌آوری. واکسن هم مال از ما بهتران است.»

### در این پارک از فاصله اجتماعی خبری نیست

پارک بانوان: «صبح اولین روز هفته است. برخلاف تصور جا برای پارک خودرو به سختی پیدا می‌شود.

جلوی در اصلی پارک، تقریباً از هر ۱۰ نفر، یکی دو نفر بدون ماسک ایستاده یا ماسک‌هایشان را پایین آورده‌اند. خبری از تذکر یا احیاناً راه ندادن افرادی که ماسک ندارند نیست. برخی زن‌ها به محض ورود تا روستری خود را بر می‌دارند ناخودآگاه از ماسک‌ها هم دیگر خبری نیست. اغلب آلاچیق‌ها در ساعت ۹ و نیم صبح پر شده و جالب اینجاست که خیلی‌ها از همان اوایل صبح مشغول زغال

درست کردن برای ناهار ظهرشان هستند. از فاصله اجتماعی و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی هم خبری نیست. از چند خانم مسنی که در پارک مشغول ورزش کردن هستند می‌پرسم که آیا واکسن زده‌اید؛ جز یک نفر که می‌گوید واکسن چینی زده و الان خیال خودش و بچه‌هایش هم راحت است، بقیه این هفته در صف نوبت قرار دارند. گیتی ۶۹ ساله اما می‌گوید ترجیح می‌دهد به این زودی‌ها واکسن نزن چون شنیده که در بعضی‌ها واکنش نشان داده و چون خودش فشار خون بالا دارد می‌ترسد که از زیر واکسن جان سالم به در نبرد. به قول خودش کرونا دیگر بساطش را جمع کرده است. در کنار او البته اعظم ۷۱ ساله که جوان‌تر از سن و سالش به‌نظر می‌رسد می‌گوید من منتظر واکسن ایرانی می‌مانم. می‌ترسم از این چینی‌ها بزنم و به بدنم نسازد اما دکترم سفارش کرده هر واکسنی بود بزن!

### تعداد پرونده‌ها را محدود کنید

دادگاه خانواده: «خانم مصلحی که درگیر ودار پروسه طلاقش هست، می‌گوید: «نسبت به قبل از عید خلوت‌تر شده؛ اما مثلاً به من اعلام می‌کنند که ساعت ۱۰ فلان شعبه باش؛ من هم می‌روم اما هیچ وقت سر ساعت کارمان راه نمی‌افتد. هر نفر هم با وکیل و دوست و آشنا آمده و در یک راهروی باریک و سالن کوچک تجمع زیادی می‌شود. چون در هر سالن حداقل ۳ تا ۴ شعبه است و هر شعبه هم مراجعه‌کننده‌های

خودش را دارد و رسیدگی به هر پرونده لااقل یک ساعت طول می‌کشد. من چند بار به رئیس شعبه اعتراض کردم که تعداد پرونده‌ها را محدود کنید. گاهی تعداد مراجعه‌کننده‌ها به ۴۰-۵۰ نفر هم می‌رسید که برای مایی که واکسن نزده‌ایم خیلی خطرناک است.»

### پنجره را باز کن

اتوبوس ونک به آزادی: «اتوبوس کاملاً شلوغ است. صندلی قسمت آقایان هیچ جایی برای نشستن ندارد و برخی مردها روی صندلی‌ها قسمت بانوان نشسته‌اند. با وجود الزام به ماسک اما چند مسافر بدون ماسک سوار شده‌اند. یک مسافر با عصبانیت بلند می‌شود تا پنجره‌ای را که بسته است با زحمت باز کند. راننده با صدای بلند می‌گوید: «بنشین الان ترمز بزنم صد نفر ولی دم پیدا می‌کنی.» زن با صدای بلندتر می‌گوید: «خودت واکسن زده‌ای فکر می‌کنی ما هم مثل خودت هستیم؟» راننده که انگار کارد به استخوانش رسیده باشد روی ترمز می‌زند و می‌گوید: «بیا ثابت کن که من زده‌ام؛ کرایه‌ام نمی‌خواهد بدهی...» زن می‌گوید: «فقط بلدند کرایه‌ها را زیاد کنند اما کسی دلش به حال ما نسوخته.» راننده می‌گوید: «همین چند ماه پیش همکارم کرونا گرفت و فوت کرد. کاش کسی منت این کرایه دو هزار تومنی را سر ما نگذارد.»

### برایتان اسپری ضد عفونی بیارم

کافه مرکزی شهر: مارال که مشغول سفارش قهوه است، ماسکش را برداشته و در جواب گارسون که می‌گوید می‌خواهید برایتان اسپری ضد عفونی کننده بیآورم، می‌گوید نه! «خیلی‌ها مثل من وقتی آمار فوتی‌ها بالا رفت خودشان را قرنطینه کردند اما همین که دوباره گفتند از موج چهارم رد شدیم زندگی عادی‌مان برگشت. مثل همه جای دنیا! الان دخترعموهایم که انگلیس هستند راحت بیرون می‌روند. خود من لااقل در این دو هفته ۵-۶ میهمانی دعوت شدم که هیچ کدام‌مان هم هنوز واکسن نزدیم. آخری هم میهمانی دربی بود که حدوداً ۱۲-۱۳ نفر دور هم جمع شدیم. مثل خیلی‌های دیگر. حتی کافی شاپ‌ها هم که تعطیل شده بود کافی بود زنگ بزنید تا در را به رویتان باز کنند. دور و بر ما هر که گرفته خفیف بوده، من هم گروه خونی‌ام A مثبت است. تازه همسایه‌مان که واکسن زده فوت کرده و اصلاً نمی‌خواهم واکسن بزنم.»

و حالا ۷۰ ساله‌ها  
در مرحله تزریق  
واکسن قرار  
گرفته‌اند و تا  
پایان خرداد  
هم افراد بالای  
۶۰ سال واکسینه  
می‌شوند. از  
اوایل مرداد هم  
باید منتظر شروع  
واکسیناسیون در  
مشاغل پرخطر  
مثل رانندگان  
تاکسی و معلم‌ها  
باشیم